



مقبرة الشعراء

رضیه افضل زاده

# تبریزگردی

تصویرگر: مصطفی احمدی

من آيسان هستم. در يکي از روستاهای شهر تبريز زندگي مي کنم. ما در تعطيلات عيد نوروز و فصل تابستان، بخشي از خانه مان را به مسافران اجاره مي دهيم. هفته ي گذشته، خانواده اي مهمانمان بودند که دختری هم سن و سال من داشتند. ما باهم بازی مي کردیم و چون دوستم به دیدنی های تبریز علاقه داشت، من ساعت ها با او درباره ي جاهای گوناگون تبریز صحبت مي کردم. من برای او از ایل گلی که باغ زیبایی است، گفتم. از مسجد کبود با کاشی های بی نظیر آبی رنگش، از مقبرة الشعراء تبریز و خانه ي پروین اعتصامی، از ارگ علیشاه و از جنگل های ارسباران که روستای ما نزدیک آن قرار دارد.



ایل گلی







روستای کندوان



خانه استاد شهریار



قالیافی در تبریز



امروز او را به کارگاه قالی‌بافی مان بردم. یادم رفت بگویم، من بعد از مدرسه و انجام تکالیفم به کارگاه قالی‌بافی پدرم می‌روم و به او کمک می‌کنم. دوستم از دیدن نقش و نگارهای زیبای قالی تعجب کرده بود. به او گفتم که قالی‌بافی از سال‌های دور در شهر تبریز بوده و شغل خانواده‌ی من، یعنی پدر پدرم و پدرپدر بزرگم و اجداد دیگرم قالی‌بافی و کشیدن نقشه‌های قالی بوده است. ما در کارگاهمان قالی ابریشمی هم می‌بافیم و دوستم که تازه حال از نزدیک قالی ابریشمی ندیده بود، از زیبایی و لطافت و ظرافت آن حیرت‌زده شده بود. بافت قالی از کشیدن نقشه و آماده کردن نخ‌ها تا نشستن قالی‌بافان پشت دار قالی و رج‌زدن قالی، برایش بسیار جالب و دیدنی بود. دوستم و خانواده‌اش بعد از دیدن روستای کندوان و خانه‌ی استاد شهریار راهی شهرشان شدند.